

IRISEKAI

T.me/IrisSekai



Instagram.com/IrisSekai

مترجم:

Nick

ادیتور:

So



کارے از عیم آریسر سکای





من فقط
درخواست
شاهدخت رو
قبول کردم.

اون نمی خواست
با کایت باشه، بخاطر
همین ازم خواست تا
آخر ارنفست به جاش
بمونم.

هرطور مایلیه شاهزاده

Original: Mokgambi • Comic: Antstudio

-55-

من،



من خیلی
متاسفم!



از قبل پارتنر
رقص دارید؟

زنه، ولی...



پس کاری
از من برنمیداد.
مزاحمتون
نمیشم.

خیلی
ببخشید...



خیلی
حسودیم شد.

یعنی کی دل
شاهدخت رو به
دست آورده؟



آخیش...
نمی دونستم مراسم
رقص می تونه انقدر
خسته کننده باشه.

یهویی همه
کجا رفتن؟





خودشه...



...بهترین راه واسه
تزدیک شدن بهشون
بدون مشکوک بودن.

موسیقی
هم الان تمپوی
آرومی داره...



...

پرات خیلی
قابل اطمینانه.





میگن اونایی
که از هم متنفرن
شبیه همن.



اونا هم هرچی
بشه برادر همن با
اینکه ناتنی ان.

هاها، چطور
می دونستی نقطه ضعفم
همچین تعریف و
تمجیدایه؟!

ولی یکم
شک دارم.

همچین چیزی
بی سابقه ست. باید یکم
بهش فکر کنم.

واقعا لازمه؟

می تونی رقیب
رو مخ تاج و تختتو پس
بزنی و سلاح میتل لورن
رو به دست بیاری. یه
تیر و دو نشون...

نه،

?

نیل: اون تیرو بردارم
دوتا شو میزنم تو نخم چشمت

تازه یه عروس
خوشگل مثل من هم
گیرت میاد. میشه یه
تیر و سه نشون.

!

اون جای خالی،
اون حفره ی توی
قلبت...

مطمئنم
می تونم کاری کنم
یادت بره قبلا کسی
توی قلبت نبوده...

...هه.

درسته که از
کایت متنفرم.

و دوست دارم
وقتی عنوان شوالیه گل
ازش گرفته میشه و گیج
میشه ببینمش.

ولی اونقدر بهش
اهمیت نمیدم که بخوام
اینهمه راهو برم.

و

قلب من خالیه؟
کی همچین حرفی
زده؟

بیخشید؟



همه می دونن
که از فرمانده طلاق
گرف...

نه.

درسته که بخاطر
یه سوتفاهم با هم
بحث کردیم.

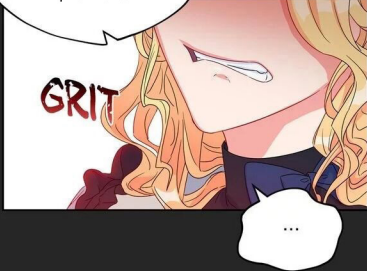


ولی دورن ریوندل
تنها زنی ته که با تمام
وجود عاشقشم.

و هیچکی
هیچوقت نمی تونه
جاشو بگیره.

نیک: چه حس داره توسط دوتا از جناب ترین
شاهزاده ها عن شدی چقدر خانوم؟
اس: حس: تا بچهایش بو سوختن میار

به زودی درباره
شوالیه گل جوابم رو
بهتون میگم.



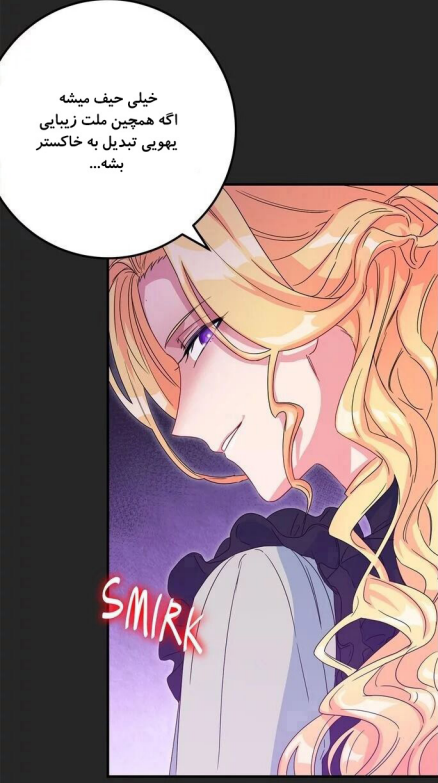
GRIT

...

البته، حتما
اینکارو بکنین.



هروقت شد.



STEP

با آغوش باز
منتظر تونم.

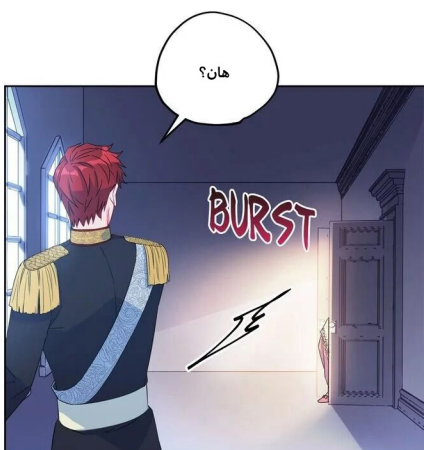
...التماست
می کنم یه بار باورم
کن. به محض اینکه
ارنفت تموم شه،

می تونم بهت
توضیح بدم اون روز
چی دیدی و چرا نداشتم
بیای زیرزمین...

بسه.

دیگه...







نیک: فرزندم تو چه حس داری
زان آینه‌ت به تنه داره من پریده؟





همه پسرانش
یه مشت جفله
لجبارن...



سرورم.

WHISPER

...همه اومدن.
می خواین چیکار
کنین؟



همونطور که
قبلا گفتم...

...با هنگ
اکتشاف...

...نقشه
اصلی...

دنپال
چیزی ان...؟ نقشه؟
صداشونو درست
نمی شنوم.

پاید...



!



وااا!



فکر کنم تا
همین حد بتونیم پیش
بریم. اگه زیاد نزدیک
شیم متوجه میشن.

خیلی خب...
فکر کنم همینطوره.
راستی،

انگاری حسابی
تو رقصیدن کارت
درسته پرات.



راستش،
این اولین رقص
رسمی منه.

واقعا؟

خانواده ما به خاندان
سلطنتی خدمت می کنه، برای
همین مجبور بودم از بچگی
آداب سلطنتی و رقصیدن
رو یاد بگیرم.

اوه، و البته که
خودت اینو میدونی.
چیز چرتی گفتم...

نه،
نمی دونستم.

درسته که سری
شاهزاده رو نوشتم، ولی یه
عالمه جزئیات اضافه هست
که راجبشون نمی دونم.



این فقط تئوری منه، ولی
فکر کنم جزئیات گمشده از
وقتی وارد این دنیا شدم خود
به خود نوشته شدن.





نیک: خات:





To be continued



سال نو مبارک



ننگ: من بمرحمت قدر تو
هانپوک کیوت شده است پدر

Translator: Tony

Editor: Sami



از شما برای خوندن کارمون
ممنونيم. لطفا **کپی نکنين** و بدون
ذکر منبع کار مارو جایی نذارين.
شما ميتونين با جوين شدن تو چنل
تلگرامون از ما **حمایت** کنين و کارهاييه
جذاب ديگمون رو هم بخونين.